

مسئولیت (مدنی و کیفری) پزشک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این مقاله مسئولیت پزشک را از دو جنبه کیفری و مدنی مورد بحث قرار می‌دهیم و هدف این است که روشن کنیم آیا مسئولیت پزشک منوط به اثبات تقصیر او است یا فراتر از آن نیز می‌رود؟ و دیگر اینکه آیا پزشکی که به قصد احسان فردی را معالجه می‌نماید ولی به‌عللی آن فرد جان خود را از دست می‌دهد ضامن است مطلقاً در همه موارد یا در بعض موارد ضامن است؟ و یا اینکه در مورد پزشک کلاً قاعده احسان - که مسقط ضمان است - را جاری کنیم؟ بدین معنی پزشک محسن است و برطبق آیه شریفه «ما علی المحسنین من سبیل» ضمانتی بر او نیست. و چنانچه قائل به ضمان شویم در واقع بوی اسائه شده است «هل جزاء الاحسان إلا الاحسان» جهت روشن شدن مطلب کنکاشی پیرامون مسئولیت پزشکی در ابعاد مختلف لازم است.

مسئولیت پزشکی

آیا در موردی که پزشک بطور مستقیم باعث تلف جان یا مال بیمار می شود باید او را ضامن دانست هر چند در عالم پزشکی خطائی مرتکب نشده باشد؟ تمیز اتلاف در مواردی که پزشک تمام السبب را ایجاد می کند، به ویژه در امر پزشکی دشوار است. بطور معمول، رابطه مستقیم بین تلف و اقدام پزشک در جراحی ها بیشتر عینیت می یابد. بر همین اساس ماده ۲۶ قانون دیات تدوین شده است^(۱) که مؤدای این ماده مطابق نظر مشهور فقهاء عظام است، و قید «اگرچه ماهر بوده باشد» در پایان ماده نشان می دهد که بکار بردن مهارتهای متعارف در امور پزشکی نیز اورا از مسئولیت نمی رهند. برخلاف نظر ابن ادریس (قده) که می فرماید: پزشک آگاه و محتاط و مأذون را ضامن نمی داند.

بنابراین، جراح زیبایی که بینی بیمار را قطع می کند ضامن است. زیان دیده تنها باید وقوع فعل و انتساب آن را به پزشک جراح ثابت کند و هیچ گونه نیازی به اثبات خطای جراح ندارد. و گروهی از فقهاء^(۲) اذن بیمار را سبب از بین رفتن ضمان می دانند، بدین معنی عملی که از نظر شرعی مجاز باشد ضمان ندارد، و مشهور فقهاء اذن را ناظر به مداوا می دانند نه اتلاف.

این معنی در مورد دامپزشک نیز وجود دارد، چنانکه در ماده ۲۷ قانون دیات می فرماید: هرگاه بيطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی، هر چند با اذن صاحب او باشد، موجب خسارت شود ضامن است، مگر اینکه قبل از درمان از صاحب حیوان براءت حاصل نماید.

علیهذا اگر اثبات کند که احتیاطهای لازم و آنچه دانش پزشکی امروز در اختیار جراح نهاده است، بکار برده است، می تواند رابطه علیت بین کار او و تلف را دچار تردید یا منتفی کند و آن را منسوب به طبیعت بیمار و نقص دانش پزشکی سازد. همچنین اگر اه، و گاه غرور و وقوع حوادث پیش بینی نشده و احتراز ناپذیر مانند زلزله و آتش سوزی - نیز رابطه میان فعل پزشک و ورود خسارت را قطع می کند.

۱ - هرگاه ختنه کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است، اگر چه ماهر بوده باشد.

۲ - الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة - ج ۲ - ص ۳۴۷. مسالک الافهام، ج ۲ کتاب الدیات، جواهر الکلام، ج ۴۲ - ص ۴۴.

از نظر اجتماعی، مسئول شناختن پزشک در باره زیان ناشی از اقدامی که او در چارچوب دانش زمان خود انجام داده است. قدرت ابتکار و شکوفائی استعداد را از او می‌گیرد و دانش پزشکی را در مرز درمان‌های مرسوم و بی‌ضرر متوقف می‌سازد. از بعد اخلاقی نیز، چگونه می‌توان جزای احسان و نیکی را به‌بدی داد، و از انسانی که همه کوشش و دانش پزشکی خود را در راه درمان بیمار بکار برده است خسارت گرفت؟ و این معنی برخلاف حکم عقل عملی است «هل جزاء الاحسان إلا الاحسان» ضامن دانستن محسن بحکم عقلاء بماهم عقلاء نباید، «ما علی المحسنین من سبیل» بملاک شکر منعم و جزو آراء محموده است، و قهراً قاعده ملازمه جاری می‌شود.

به‌تعبیر دیگر، می‌توان بطور شکل اول ثابت کرد که پزشک ضامن نیست، پزشک محسن است، و محسن بطور کلی ضامن نیست، پس پزشک ضامن نیست. از یک سو، هرگاه این مسئولیت منوط به اثبات تقصیر پزشک باشد، تعصبات صنفی و پیچیدگی تحقیق و عدم وجود دانش تام و کامل مانع از آن می‌شود که این دعوی به نتیجه مطلوب برسد.

بنابراین در فرض تسبیب محتمل است، همینکه رابطه میان اقدام پزشک و ورود خسارت ثابت شود، برای مسئول شناختن او کافی است، مگر اینکه پزشک دلایل و مدارکی ارائه نماید مبنی بر اینکه علت ورود ضرر و خسارت امری خارج از توان او باشد.

دیدگاه فقه شیعه در مورد مسئولیت پزشکی

محل اختلاف بین فقهاء عظام زمانی است که مریض یا اولیائش اذن در علاج داده باشند و در صورت عدم حصول اذن اختلافی در وجوب ضمان نیست. همچنانکه زمانی که پزشک از بیمار برائت بگیرد عدم وجوب ضمان مجمع علیه است.

کنکاشی پیرامون اذن و برائت نسبت به ضمان پزشک

الف - در صورتیکه پزشک مباشر در علاج باشد بدون حصول اذن، فقهاء عظام قائل به ضمان شدند مستنداً به قاعده اتلاف.

ب - در صورتیکه پزشک مباشر در علاج باشد و اذن از مریض گرفته باشد بدون اینکه برائت از او گرفته باشد، حکم به وجوب ضمان مشهور است نزد فقهاء

مستنداً به قاعده اتلاف؛ بر خلاف علامه حلی (قده) که قائل به عدم ضمان شده است مستنداً به اینکه ید او مأذونه است و اصل عدم ضمان می باشد. گروهی از فقهاء به وی اشکال کردند که این اصل به قاعده اتلاف مدفوع است. جهت روشن شدن مطلب ذکر این مقدمه بایسته است: که آیا در موارد اتلاف، قاعده احسان جاری می شود یا نه؟

در اکثر متون فقهی ملاحظه می شود که قاعده احسان قاعده «وعلی الید ما اخذت حتی تؤدیه» را تخصیص می زند، ولی قاعده اتلاف اطلاق احوالی دارد، و حکم به ضمان بر روی عنوان متلف رفته است چه محسن باشد چه نباشد چه یدش مأذونه باشد چه غیر مأذونه.

لکن بنظر می رسد قاعده اتلاف چنین اطلاقی نداشته باشد بلکه قاعده احسان حکومت واقعیه بر قاعده اتلاف دارد، بدین بیان: اولاً مدرک قاعده اتلاف - «من أتلّف مال الغير فهوله ضامن» - اطلاق ندارد، به جهت اینکه این کبرای کلی متن روایت نیست بلکه اصطیادی است قهراً دلیل لبی است که اطلاق در آن راه ندارد.

و ثانیاً «ماعلی المحسنین من سبیل» عام آبی از تخصیص است، لسان آیه شریفه لسانی است که تخصیص بردار نیست، بویژه این معنی مؤدای حکم عقل عملی است.

بنابراین محسن ولو اینکه تکویناً متلف باشد لکن تعبداً بجهت احسانش غیر متلف است ادعاء، شارع مقدس در حیطة قانونی و تشریحی محسن را غیر متلف می داند، و قهراً «ماعلی المحسنین من سبیل» بر قاعده اتلاف حکومت واقعیه دارد که لباً همان تخصیص قاعده اتلاف است، یعنی «المتلف غیرالمحسن ضامن»

بنابراین در هر دو مورد ضمانی بر پزشک ثابت نیست چون وی محسن است. علیهذا تفصیلی را که شیخ الطائفه (قده) ^(۱) داده است - مبنی بر اینکه پزشکی که فردی را معالجه کند، و بی احتیاطی نکند و معالجه ای را در نظر گیرد که عادتاً سودمند برای مریض هست، ولی اتفاقاً منجر به فوت مریض گردد، پس همانا حکم به خطاء شبه عمد شده است و دیه بر او لازم است ولی قصاص

نمی‌شود. و بین پزشکی که برائت از ولی مریض بگیرد مسئولیتی و ضمانتی ندارد - غیر وجیه است. زیرا در هر مورد چنانچه برپزشک عنوان محسن صادق باشد به مقتضای قاعدهٔ احسان هیچگونه مسئولیتی، اعم از کیفری و مدنی بروی ثابت نیست.

فقه‌های عامه

شیخ عبدالرحمن الجزیری مستنداً به مذاهب اربعه می‌گوید: پزشک زمانی که ماهر و حاذق باشد و در عملش به حسب عادت هیچگونه خطائی نکرده باشد ولی در مقام معالجهٔ او اتفاقاً موجب تلف یا نقص عضو او گردد ضمانتی بر وی ثابت نمی‌گردد. (۱)

**نسبت بین دلیل وجوب حفظ نفس محترمه و حکم به ضمان پزشک
مباشر در اتلاف؟**

بدین معنی که آیا پزشک حاذق مباشر که مکلف به حفظ نفس محترمه بعلاج مرض می‌باشد، چنانچه عمل و یا مداوای وی منجر به تلف گردد ضامن است یا نه؟

فقهاء عظام قدس الله أسرارهم در مورد ضمان و یا عدم ضمان اختلاف نظر دارند:
۱ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) ضمان را محال می‌داند، مبنی بر اینکه اگر فعل او منجر به تلف گردد، تلف او خطائی است و موضوع فی الحقیقه علاج مریض است و در صورت تضمین باب طبابت به کلی بسته می‌شود. (۲)

۲ - گروه دیگر قائل به ضمان پزشک شده‌اند، زیرا او بجای اصلاح بیمار موجب افساد وی گردیده است، مستنداً به روایت سکونی - که کلینی در کافی و شیخ طوسی در تهذیب روایت کرده است « مَنْ تَطَبَّبَ أَوْ تَبَيَّطَرَ فَلْيَأْخُذِ الْبِرَاءَةَ مِنْ وَلِيِّهِ، وَإِلَّا فَهُوَ ضَامِنٌ »^(۳) هر پزشکی و یا دامپزشکی که بخواهد طبابت کند لازم است از ولی او برائت و اسقاط ضمان بگیرد والا خود پزشک و یا دامپزشک ضامن است - و قاعدهٔ اتلاف: من أتلف مال الغير فهوله ضامن.

۱ - الفقه على المذهب الأربعة ج ۳، ص ۱۵۳.

۲ - كتاب الاجاره ص ۲۵۰.

۳ - وسائل الشیعه، باب ۲۴، من أبواب موجبات الضمان، ح ۱.

لکن بنظر می‌رسد روایت سکونی - با قطع نظر از سند - ناظر به پزشکی است که عنوان محسن بروی صادق نباشد، و یا اینکه در مقام طبابت تمام دانش پزشکی را بکار نبرده باشد. و یا اینکه ظهور در این دارد که مریض صغیر چنانچه در حال مداوا ضرری و یا خسارتی به وی برسد پزشک ضامن است مگر اینکه از ولی صغیر برائت بگیرد. و اما نسبت به قاعده اتلاف در صورت صدق عنوان محسن بروی قاعده اتلاف محکوم قاعده احسان است، که تفصیل آن گذشت. اما نسبت به پزشک غیر مباشر چه آمر باشد و یا اینکه صرفاً نسخه دارو را برای مریض بنویسد اقوی عدم ضمان است، مگر اینکه فعل پزشک محقق قاعدهٔ تسبیب^(۱) باشد و عنوان محسن بروی صادق نباشد.

نتیجه - از مجموع بیانات و روایات و قواعد فقهی که به آنها اشارت شد بنظر می‌رسد مسئولیت پزشک منوط به اثبات تقصیر او است. و در صورت التزام به اطلاق مواد ۲۶ و ۲۷ قانون دیات^(۲) باب طبابت منسد و قهراً رغبت دانش پژوهان به این شغل مقدس و مفید کاهش می‌یابد. و نیز چنانچه پزشکی برای مداوای بیمارش و رساندن منفعت به او هر گونه تلاش و مهارت علمی و عملی در معالجهٔ بیمار داشته باشد و احتیاطهای لازم را می‌نماید ولی اتفاقاً منجر به تلف نفس یا قطع عضو بیمار می‌گردد و مفروض این است که پزشک با اجازهٔ او و یا درخواست مریض این کار را انجام داده است قطعاً چنین پزشکی محسن است و این معنی رافع مسئولیت کیفری و مدنی است. و نسبت به ماده ۲۷ قانون دیات ذیل آن - هر چند با اذن صاحب او باشد - منافات با قاعدهٔ اقدام - که رافع مسئولیت مدنی است - دارد.

بنابراین اذن بیمار به تنهایی بدون تحصیل برائت - مشروط بر عدم تقصیر پزشک و اعمال تمام دانشهای پزشکی - موجب عدم حصول مسئولیت کیفری و مدنی پزشک است و نیازی به اخذ برائت از مریض نیست.

۱ - سبب اقوای از مباشر باشد که قهراً از صغریات قاعده اتلاف می‌شود.

۲ - ماده ۲۶ قانون دیات : هرگاه ختنه‌کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است، اگرچه ماهر بوده باشد.

ماده ۲۷ قانون دیات: هرگاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی، هر چند با اذن صاحب او باشد، موجب خسارت شود ضامن است، مگر اینکه قبل از درمان از صاحب حیوان برائت حاصل نماید.